

از گوشه و کنار

توصیه‌های پلیس به هیئت‌های عزاداری در ایام محرم



نیروی انتظامی برای برگزاری هر چه باشکوه‌تر مراسم اقامه عز و تأمین نظم و امنیت مطلوب برای عموم مردم عزیز و علی‌الخصوص عزاداران حسینی (ع)، توجه شهروندان محترم را به موارد ذیل جلب نموده و نسبت به رعایت آن‌ها تأکید می‌کند.

-ماموران انتظامی و راهنمایی و رانندگی با تلاش بی‌وقفه کوشش خواهند کرد دبابرقراری نظم، امنیت و سهولت در تردد خودروها، بر شکوه و عظمت مراسم عزاداری در سراسر کشور بیافزایند، لذا به شهروندان محترم توصیه می‌شود با کارکنان ناجا در این ایام مثل همیشه همکاری صمیمانه داشته باشند.

-مسئولان هیئت‌های عزاداری و تکایا، از نصب هر گونه داربست در معابر عمومی که موجب مسدودشدن خیابان و یا کندی عبور و مرور می‌شود، خودداری کنند.

-توصیه می‌شود در حرکت دسته‌های عزاداری و حین برگزاری مراسم عزاداری، به ویژه در ساعات پایانی شب در استفاده از بلندگوها، رعایت حال بیماران و افراد مسن بشود.

-در برپائی هیئات مذهبی و برگزاری مراسم، اصول ایمنی و استفاده از تجهیزات مربوطه در راستای جلوگیری از بروز حوادث ناشی از آتش سوزی، اتصال برق و...مورد توجه دقیق قرار گیرد.

-مراکز ۱۱۰ پلیس در تمامی ساعات شبانه روز آماده دریافت اطلاعات و خدمت رسانی به مردم خواهند بود.



در حوزه تولید تجهیزات پزشکی به مواد اولیه نیاز داریم



محمدحسین قربانی، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، گفت: با توجه به فضای این روزها و نوسانات ارز و تحریم‌هایباز کارخانه‌هایموساد اولیه افزایش یافته است و ما نتوانستیم در حوزه تولید تمام نیازهای داخلی را تأمین کنیم، به خصوص در بخش کالاهای ضروری و حوزه سلامت منطقی است که بحث واردات را مطرح کنیم، چرا که نمی‌توانیم حوزه سلامت را نادیده بگیریم.

قربانی در ادامه گفت: نمی‌توان به خاطر قانون حمایت از تولیدکنندگان داخلی، دارو و تجهیزات پزشکی را نادیده گرفت باید به روز باشیم و اگر یک روز تولید کفالت نیاز داخل را بدهد باید حمایت کنیم و در مقابل واردات بااستیم، اما زمانی که تولیدمقرون به صرفه نباشد یا به هر دلیلی متوقف شود، باید فضا را باز کنیم تا نیاز کشور از طریق واردات تأمین شود. مضاف بر این که تجهیزات پزشکی و داروهاز جمله کالاهای ضروری کشور هستند که در این زمینه باید بانک مرکزی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و گمرک در این زمینه همکاری کنند.



پیشنهاد شناور شدن ساعت کاری از نیمه اول مهر

قائم مقام معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران از شناور شدن ساعت کاری ادارات در صورت موافقت دولت خبر داد. وی با اشاره به این که در این طرح به دولت پیشنهاد داده‌ایم که ساعت کاری ادارات از ۷ تا ۸:۳۰صبح شناور شود، خاطر نشان کرد: کارمندان می‌توانند در پایان روز با اضافه کاری ساعت صبح خود را جبران کنند.

افندی زاده با بیان این که پیشنهاد ما این است که در دو هفته اول مهر ماه این طرح اجرا شود، بیان کرد: منتظر تصویب و موافقت دولت هستیم که در صورت موافقت شاهد کاهش بار ترافیکی مهرماه خواهیم بود. وی ادامه داد: هم چنین شورای ترافیک پایتخت در جلسه اخیر مصوب کرد که تردد کامیون‌های حمل بار و کالا از اول مهر ماه تا ۱۱مهر از ساعت شش تا ۹صبح در محدوده سطح شهر ممنوع است.

تنهایی می‌تواند نوعی تهدید برای جامعه محسوب شود. جمعیت تنها، به ظاهر دچار آسیب و بیماری نیست؛ اما در واقع در زیر پوسته جامعه‌ای تنها، تلاطمی از معضلات اجتماعی در جریان است که بی‌تردید روزی آشکار خواهند شد

مانند خشونت خانگی، طلاق، خودکشی، احساس نابرابری، فقر اقتصادی و... عواملی هستند که خانواده‌ها را آرام آرام به سوی تفرّد، انزوا و تنهایی هدایت می‌کشانند. ضمن این که مسائل روانی-زیستی اجتماعی و فرهنگی امروز در ارتباطات مردم و خانواده‌ها، گویای تنش‌هایی است که پیامد آن طلاق عاطفی و تنهایی افراد در خانواده و جامعه می‌باشد.

جامعه ایرانی، تنهاست!

تنهایی و تنها بودن، در ادبیات و عرفان ما، جایگاهی خاص دارد. اغلب شعرا و عرفای ما، ارزش خاصی برای تنهایی و خلوت قائل بوده‌اند و آن را توصیه کرده‌اند. حال چه به صورت انزوای فیزیکی، که این روزها به آن مراقبه یا مدیتیشن می‌گویند، یا به صورت ذهنی و درونی، یعنی همان حدیث حاضر غایب، که خودش در میان جمع است، اما دلش در جای دیگری است! اما احساس تنهایی با تنها بودن یکی نیست. ما ممکن است تنها بودن را انتخاب کنیم و بدون برقراری تماس زیاد با آدم‌های دیگر خوشحال زندگی کنیم. از طرف دیگر هم ممکن است تماس‌های اجتماعی خیلی زیادی داشته باشیم، یا با یک نفر در رابطه باشیم یا بخشی از یک خانواده باشیم و باز احساس تنهایی کنیم. ممکن است افراد زیادی هم ما را احاطه کرده باشند اما...هنوز احساس تنهایی کنیم.

سختان دکتر قریایی مقدّم، جامعه‌شناس، توصیف غم‌انگیزی است از چهره انسان ایرانی: در جامعه ایرانی، زوال گرایشی و خودگرایی و پدیده متکثر است و نمی‌توان و نباید به آن نگاه تک‌بعدی داشت. توانمندی مردم در مقابله با احساس تنهایی نیازمند حمایت‌های همه‌جانبه از سوی سازمان‌های مختلف دولتی و ایجاد گروه‌های خودیاری از سوی شهرداری است. عدم مقابله درست با پدیده تنهایی به مرگ تدریجی در زنان و مردان می‌انجامد و نماد مرگ خاموش در میان زنان و مردان است. نتایج بعضی از تحقیق‌های داخلی، گویای گسترش فضای افسردگی در جامعه ایران است، افزایش رفتارهایی

دکتر کاظمی می‌گوید: تنهایی، موجب ضعیف شدن پیوندهای اجتماعی و افزایش روابط ناسالم اجتماعی می‌شود. فرد تنها با گرایش به گوشه‌گیری و انزواطلبی و احساس عدم وابستگی به محیط شهری، تمامیت شهر را در معرض خطر قرار می‌دهد. در نتیجه، شهری که فاقد فضاهای عمومی سازنده و اجتماع‌گرایانه است، نشاط اجتماعی‌اش را از دست می‌دهد. در واقع فضای شهری، شهروندان خود را به عزلت‌نشینانی و تنهایی دعوت می‌کند. باید پذیرفت که رابطه شهر و شهروندان رابطه‌ای دوسویه است. از سویی، شهر تنها شهروندان را به تنهایی سوق می‌دهد و از سوی دیگر شهروندان تنها و بی‌نشاط، شهری تنها می‌سازند. در هر صورت، در چنین فضایی روابط و مناسبات و تعاملات اجتماعی ضعیف و ناسالم، و اخلاق و فضائل اخلاقی کمرنگ و کمرنگ‌تر می‌شوند.

چرا تنهایی، یک تهدید است؟

دکتر کاظمی، تنهایی را یک تهدید برای جوامع انسانی می‌داند. از آن جا که تنهایی زمینه‌ای اجتماعی دارد برای برطرف کردن تنهایی در جوامع جدید، شبکه‌های اجتماعی مورد نیاز است که در آن مناسبات اجتماعی با دوستان و هم‌سالان، شکل بگیرد و باید با ایجاد روابط و تماس‌های اجتماعی بر تنهایی فراینده غلبه کرد. از سوی دیگر، شهر باید دارای فضاهای عمومی و اجتماع‌گرایانه باشد و شهروندان را به هم‌گرایی و تعامل دعوت کند و به عزلت‌نشینانی و تنهایی، ترغیب نکند. آن‌ها که از اخلاق سخن می‌گویند باید توجه داشته باشند که اخلاق، در نگاه جامعه‌شناسان، نه‌امری صرفاً نفسانی، بلکه هویتی اجتماعی دارد. اخلاق، متناسب با الگوی شهروندی تنها در فضاهای جمعی و شبکه‌های مدنی متولد می‌شود؛ آن‌هم فضاهایی که با بیشترین میزان تعامل‌پذیری ساخته می‌شوند.

دکتر شکر بیگی نیز چنین می‌افزاید: مطالعات صورت گرفته در سطح ملی و بین‌المللی حکایت از آن دارد که احساس تنهایی، یک پدیده متکثر است و نمی‌توان و نباید به آن نگاه تک‌بعدی داشت. توانمندی مردم در مقابله با احساس تنهایی نیازمند حمایت‌های همه‌جانبه از سوی سازمان‌های مختلف دولتی و ایجاد گروه‌های خودیاری از سوی شهرداری است.

عدم مقابله درست با پدیده تنهایی به مرگ تدریجی در زنان و مردان می‌انجامد و نماد مرگ خاموش در میان زنان و مردان است. نتایج بعضی از تحقیق‌های داخلی، گویای گسترش فضای افسردگی در جامعه ایران است، افزایش رفتارهایی

تنهایی، موجب ضعیف شدن پیوندهای اجتماعی و افزایش روابط ناسالم اجتماعی می‌شود. فرد تنها با گرایش به گوشه‌گیری و انزواطلبی و احساس عدم وابستگی به محیط شهری، تمامیت شهر را در معرض خطر قرار می‌دهد. در نتیجه، شهری که فاقد فضاهای عمومی سازنده و اجتماع‌گرایانه است، نشاط اجتماعی‌اش را از دست می‌دهد. در واقع فضای شهری، شهروندان خود را به عزلت‌نشینانی و تنهایی دعوت می‌کند



تنهایی یکی از مهم‌ترین مسائل چنددهه اخیر جوامع توسعه یافته است. توفان تنهایی اما، به کشور های در حال توسعه نیز رسیده و این گونه جوامع را از مخاطراتش بی‌بهره نگذاشته است

خاموش در پزشکی نام‌گذاری می‌شود شباهت دارد. جمعیت تنها به ظاهر دچار بیماری نیست، اما این تنهایی می‌تواند زمینه‌های انواع مسائل روانی و اجتماعی (از جمله افسردگی، خودکشی، و...) را فراهم کند. بیماری‌هایی که در بدوام روان‌شناسانه هستند اما در صورت برآورده نشدن انتظاراتش، ترجیح می‌دهد تنها و منزوی بماند. نکته مهم درباره احساس تنهایی این است که احساس تنهایی باغم‌واندوه فرق دارد. غم و اندوه حاصل شرایط فقدان بزرگ در زندگی شخص است، در حالی که احساس تنهایی می‌تواند به دلیل افسردگی و یا غم‌واندوه باشد ولی با آن یکی نیست.

به لحاظ جامعه‌شناختی، تنهایی می‌تواند نوعی تهدید برای جامعه محسوب شود. جمعیت تنها، به ظاهر دچار آسیب و بیماری نیست؛ اما در واقع در زیر پوسته جامعه‌ای تنها، تلاطمی از معضلات اجتماعی در جریان است که بی‌تردید روزی آشکار خواهند شد. برآند اجتماعی تنهایی می‌تواند پایین آمدن اعتماد اجتماعی، نشاط اجتماعی و یأس اجتماعی باشد.

می‌دهد: روان‌شناسان اجتماعی از احساس تنهایی، تعاریف متنوعی دارند. برخی احساس تنهایی را تجربه‌ای می‌دانند که در اثر کمبود تماس‌های اجتماعی، صمیمیت یا حمایت در روابط اجتماعی ایجاد می‌شود. در دیدگاه روان‌کاوانه، احساس تنهایی، تجربه‌ای است که در نتیجه ناکامی در رضایت از نیازهای اساسی انسان در برقراری روابط صمیمی و نزدیک اتفاق می‌افتد. فرد درگیر احساس تنهایی، این حالت‌ها را تجربه می‌کند: در روابط اجتماعی او اختلال ایجاد می‌شود و نمی‌تواند با دیگران رابطه معمولی و نرمال داشته باشد. گاهی احساس تنهایی در فرد، صرفاً ذهنی است و مربوط می‌شود به انتظارات خاص او از خودش یا از اطرافیان، که در صورت برآورده نشدن انتظاراتش، ترجیح می‌دهد تنها و منزوی بماند. نکته مهم درباره احساس تنهایی این است که احساس تنهایی باغم‌واندوه فرق دارد. غم و اندوه حاصل شرایط فقدان بزرگ در زندگی شخص است، در حالی که احساس تنهایی می‌تواند به دلیل افسردگی و یا غم‌واندوه باشد ولی با آن یکی نیست.

به لحاظ جامعه‌شناختی، تنهایی می‌تواند نوعی تهدید برای جامعه محسوب شود. جمعیت تنها، به ظاهر دچار آسیب و بیماری نیست؛ اما در واقع در زیر پوسته جامعه‌ای تنها، تلاطمی از معضلات اجتماعی در جریان است که بی‌تردید روزی آشکار خواهند شد. برآند اجتماعی تنهایی می‌تواند پایین آمدن اعتماد اجتماعی، نشاط اجتماعی و یأس اجتماعی باشد.

تنهایی مفهومی به ظاهر ساده اما در واقع یکی از مهم‌ترین مسائل چند دهه اخیر جوامع توسعه یافته است. توفان تنهایی اما، به کشورهای در حال توسعه نیز رسیده است و این گونه جوامع را از مخاطراتش بی‌نصیب و بی‌بهره نگذاشته است. تنهایی ممکن است بعضی جنبه‌های مثبت و خوب داشته باشد، اما منظور ما از «تنهایی» در این گفتار، آن گونه‌ای است که فرد از اجتماع گسسته شده و با اضطراب و از بین رفتن «امنیت وجودی» درگیر است. امنیت وجودی، یعنی آن وضعیت ذهنی راحت و مناسبی که در آن فرد به فعالیت‌های بدیهی همراه با دیگران مشغول است. تنهایی، زمانی اتفاق می‌افتد که میان روابط بین فردی مطلوب، و موجود اختلاف قابل ملاحظه‌ای وجود داشته باشد. در این تعریف، ویژگی مهم تنهایی، تجربه ناخوشایند بودن آن از لحاظ عاطفی است. تنهایی یک «وضعیت عاطفی درونی» است که شاخص‌های ذهنی و کیفی روابط اجتماعی مثل رضایت‌مندی از روابط و پذیرش اجتماعی، بیشتر از شاخص‌های عینی و کمی، مثل فراوانی تماس‌ها و تعداد دوستان در این زمینه موثرند. دکتر عالیه شکر بیگی ضمن ارائه تعریف بالا از «تنهایی»، چنین ادامه



انسان، موجودی ذاتاً اجتماعی است. تقریباً تمام اندیشمندان در عرصه دانش عملی و نظری، دانشمندان و فیلسوفان، بر این مسئله تأکید دارند. سارتر فیلسوف از کسانی است که بر اجتماعی بودن ذاتی انسان اصرار دارد. و دانشمندان زیست‌شناس با اشاره به طولانی بودن دوران کودکی، انسان را موجودی اجتماعی می‌دانند؛ موجودی که اگر هنگام تولد، تنها بماند و زنده نماند. کودکی انسان، طولانی‌تر از کودکی تمام موجودات دیگر است. نوزاد هر جانوری بلافاصله با ساعتی پس از تولد روی پای خودش می‌ایستد و خیلی زود از وابستگی به مادرش، رها می‌شود. اما تا نوزاد آدمی بتواند روی دوپایش بایستد و راه بیفتد، دست کم دوسالی طول می‌کشد. این‌ها را گفتیم که بگوییم انسان نمی‌تواند «تنها» بماند و تنهایی را تاب بیاورد. بسیاری از ارزش‌های عاطفی و روانی که او در خود احساس می‌کند، از اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، برمی‌خیزد. انسانی که احساس دوست داشته شدن و ارزشمندی نداشته باشد، موجودی است افسرده، که در انزوای اجباری یا خودساخته‌اش، رفته رفته انگیزه‌های زندگی و زنده‌مانی را از دست می‌دهد.

یادداشت

کافه نشینی را جدی بگیریم!

آسیه ویسی

در حالی که «کافه» در معنای عامش، برای بسیاری از کشورها، برای مثال فرانسه، پاتوق هنرمندان بود؛ جایی که آن‌ها برای نوشتن و یا خواندن آثار همدیگر جمع می‌شدند. جایی که «دالی» نقاش، در کنار «همینگوی» نویسنده می‌نشست و ضمن نوشیدن قهوه و پرگویی، ایده‌های خاصی هم تولید می‌شد.

کافه نشینی در کشور ما، شاید با اولین گروه دانشجویانی که برای تحصیل به فرانسه رفتند، آغاز شده باشد. در این مورد به خصوص، به صادق هدایت اشاره می‌شود. آن چنان که جواد مجابی اشاره می‌کند: ادبیات مدرن ایران با کافه نشینی‌های جلال آل احمد، شاملو، براهنی و... آغاز شد.

کافه نشینی یعنی استفاده از زمان و مکان، با پرداخت پول

ناجیز برای قهوه! در واقع، قهوه تنها بهانه‌ای است برای دورهم جمع شدن. دورهم جمع شدن‌هایی که گاه به طرح‌ها و ایده‌های بزرگ می‌انجامد.

در کافه می‌توان کتاب و روزنامه خواند. می‌توان نوشت (مثل جی.کی. رولینگ که اولین جلدهای هری پاتر را در کافه می‌نوشت). می‌توان جشن امضا و دورهمی‌های کتاب‌خوانی برگزار کرد. حتی اخیراً کافه‌هایی هستند که مشتری‌ها را تشویق به بازی‌های صفحه‌ای (بردگیم) و نه مجازی می‌کنند. بازی‌هایی که در طی آن، مشتری‌ها باید دور یک میز جمع شوند و رودر رو، چشم‌درچشم، بازی کنند.

کافه، برای جامعه جوان و تحصیل کرده و بیکار ما، بسیار مهم‌تر از آن است که در نگاه اول به نظر می‌آید. و به خاطر همین کار کرده‌های چند جانبه است که باید به وجود و جایگاه کافه‌ها توجه کرد و اهمیت آن‌ها را در ایجاد جوامع روشنفکری در جهت تولید ایده و طرح دست کم نگرفت.

استغان تسوايگ نمایشنامه نویس، کافه‌ها را «باشگاه مردمی» می‌داند که در آن «امکانات فرهنگی» عرضه می‌شود؛ کتاب، روزنامه، مجله، شعر و نمایش خوانی، دید زدن نقاشی‌های نقاشان تازه کار، شنیدن موسیقی متناسب با سلیقه‌های گوناگون.

«پیتر شوارتز»، متخصص آینده پژوه، در کتاب «شگفتی‌های اجتناب‌ناپذیر» می‌گوید توسعه کشور چین، نتیجه اجتناب‌ناپذیر گسترش کافه‌ها بود. او توضیح می‌دهد که گرچه چین در مسیر توسعه از دانشگاه‌های بزرگ آمریکا، کپی‌برداری کرد و لاجرم هزینه‌های سنگینی متحمل شد، اما صرف ایجاد این نهادها و تأسیسات نبود که موجب رشد چین شد. شوارتز بر «کافه»، این گونه تأکید می‌کند: «شما نیاز به تشکیل نهادها و تشکّل‌ها و فضای فکری دارید، اما نمی‌توانید کتاب‌فروشی‌ها و کافه‌ها و خطوط دوچرخه‌سواری را نادیده بگیرید».